

بیاد همد

دکتر علی اصغر حکمت
سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در وِلی

۱۳۳۵ ش - ۱۹۵۶ م

« ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود »
بر نای بلبلان بچمن ناله می‌رود
باد بهار سوی بهارات می‌وزد
دشت بهار پر گهر از ژاله می‌رود
از خاک آگره آتش موسی رود بیاد
گنگ است آب خضر و به بنگاله^۵ می‌رود
گلگون زمین زخون جوانان راجپوت^۶
بر دشت و بر دمن چمن لاله می‌رود
خرم دیار هند ز جمن^۷ و گنگ و سند^۸
« این بحث با ثلاثه غسله می‌رود،



تصویر شماره ۱ - نقش غار اجنتا. سفراء ایران در دربار

پلکسین دوم پادشاه هند. در حدود ۶۳۰ م.

Locality:- Ajanta.

Title:- Drinking Scene. Pulakesin II received
Embassy from Persia about 630 A.D.

- ۲ -

- ۶ «می‌ده که نو عروس چمن حد حسن یافت ،
زربفت سارئی^۱ بقدش دست مهر بافت
- ۷ گوئی زخال هندو و ابروی دلقریب^۲
ناگاه زهره با دو هلال از افق بتافت
- ۸ مشاطه^۳ وجود پیازیب^۴ و دست بند
خوشر زماه و مشتریش زیوری نیافت
- ۹ تا سهره^۵ بند قامت موزون او شود
گل پرده بر گرفت و زخلوت برون شتافت
- ۱۰ داماد طبع در طلب نوعروس هند
«کار این زمان زصنعت دلاله می‌رود،



تصویر شماره ۲ - عروس و داماد در جامه هندی.
نقاشی موزه قلعه دهلی.

Locality:- Delhi Fort (Painting)

Title:- Prince Damyal and his wife in their typical dress. (Painting exhibited in the Archaeological Museum, Red Fort, Delhi)

- ۳ -

- ۱۱ « آن چشم جادوانه عابد فریب بین »
در هند زلف او دل ما بی شکیب بین
- ۱۲ هندوستان بیاغ جهان نغز گلبنی است
پیرامنش غزلخوان صد عندلیب بین
- ۱۳ آدم بهشت بر سر هندوستان بهشت^{۱۳}
خاکش زیبای او همه پر عطر و طیب بین
- ۱۴ فیضی^{۱۴} بجو زاکبر و آئین او بخوان^{۱۵}
بگشای چشم و مرقد اورنگ زیب^{۱۶} بین
- ۱۵ بنگر بداستان دو صد ساله جادوئی^{۱۷}
« کش کاروان سحر بدناله میرود »

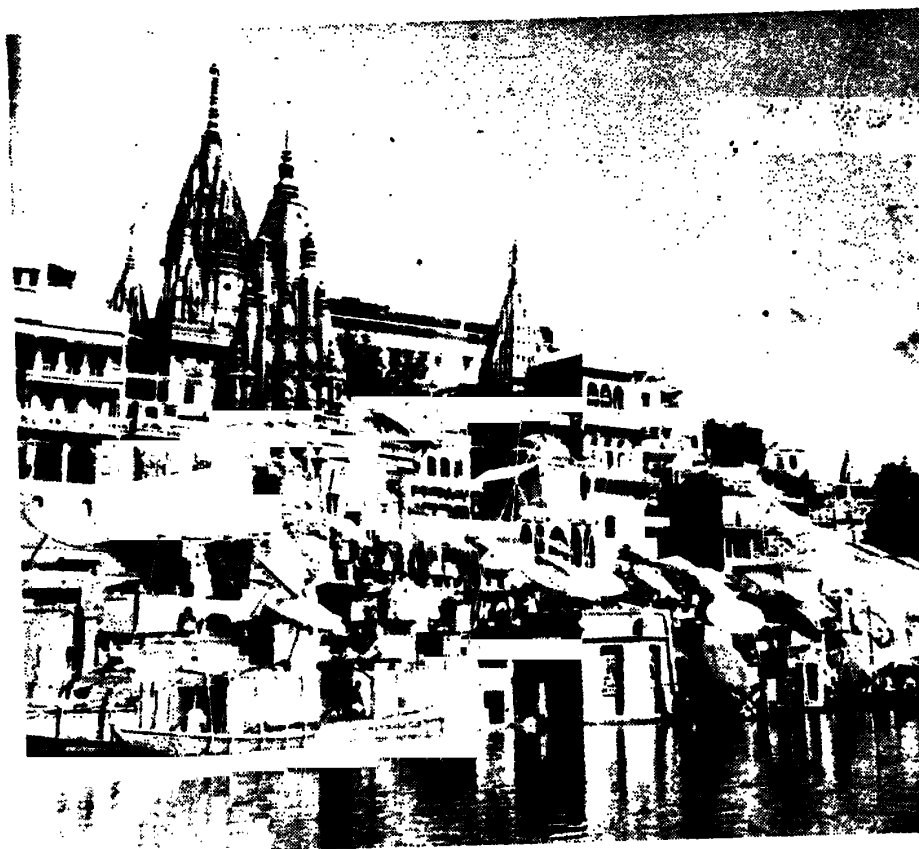


تصویر شماره ۳ - مقبره اورنگ زیب، خلد آباد .
Locality:- Khuldabad. Title:- Aurangzeb's Tomb. Front view of the mortuary

- ۴ -

- ۱۶ « شکرشکن شوند همه طوطیان هند »
گردد روان زایران گر کاروان هند
- ۱۷ راز درون هند زیرونی^{۱۸} است فاش
بومعشر^{۱۹} است راهبر و رازدان هند
- ۱۸ خود روزبه^{۲۰} بجاست که پند کلیله^{۲۱} را
آرد بنزد اهل ادب ارمغان هند
- ۱۹ علم حساب بین بجهان زاخترع صفر^{۲۱}
پر گشت بیحساب زدانش جهان هند
- ۲۰ می آید آن صنم زبنارس^{۲۲} بملك پارس
« چون قند پارسی که به بنگاله میرود »

بیاد هند



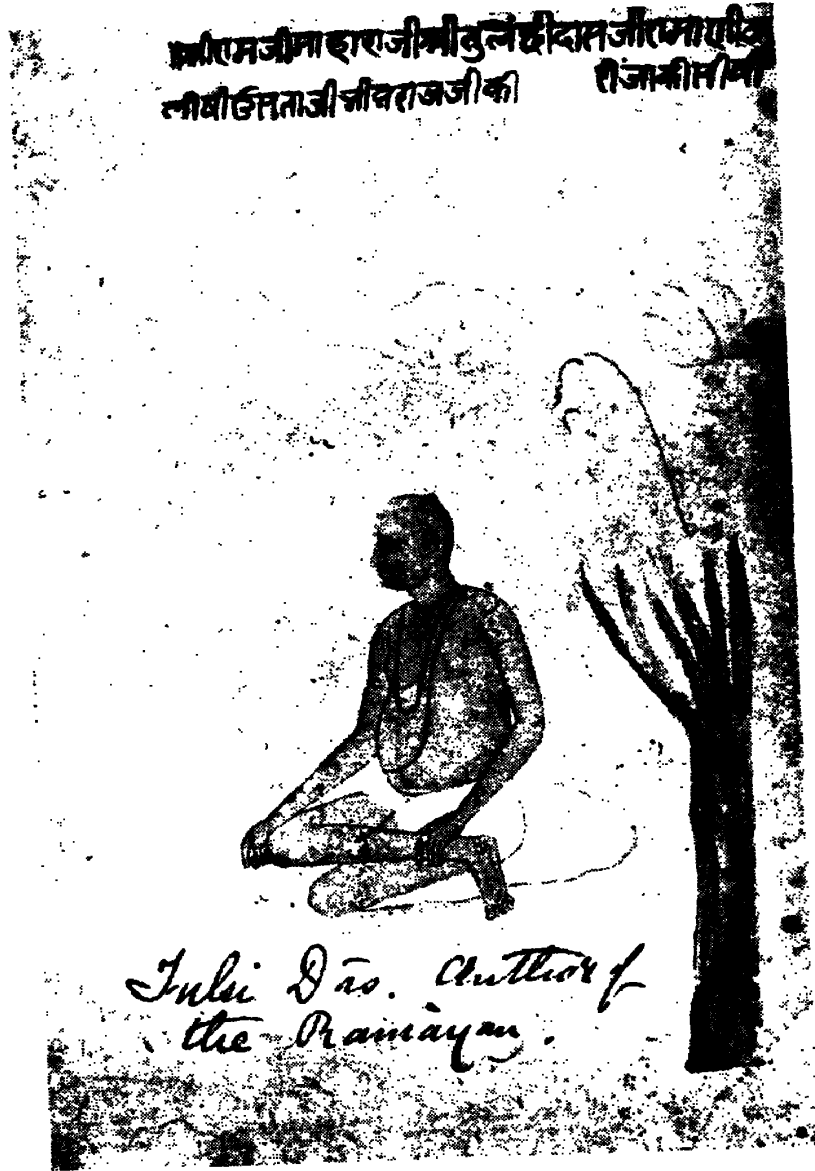
بر شماره ۴ - منظره ساحل گنگ گات در بنارس .

Locality:- Benaras.

Title:- A view of Ganga Ghat, Benaras

- ۵ -

- ۲۱ « طی زمان بین و مکان در طریق شعر،
مشکین مشام جان زختم رحیق شعر^{۲۳}»
- ۲۲ پر کن دل از جواهر منظوم رامایان^{۲۴}
گاهی انیس نثر شو و گه رفیق شعر
- ۲۳ دریاب گفته‌های کالیداس^{۲۵} و تولسیداس^{۲۶}
دُر خرد بجوی زجر عمیق شعر
- ۲۴ آن پنج شیشه از می چون لعل خسروی^{۲۷} است
یا قوت جان نهاده بجمام عقیق شعر
- ۲۵ ماه دو هفته دختر نوزاد طبع ماست
« این طفل یکشبه ره یکساله می‌رود،



تصویر شماره ۵ - صورت تولسیداس شاعر مصنف رامایان .
موزہ جیپور .

Locality:- Jaipur Museum (Painting).
Title:- Sant Tulsidas, Author of the Ramayan.

- ۶ -

- ۲۶ « از ره مرو ز عشوه دنیا که این عجز »
خونش بود ز تیغ « کرشنا »^{۲۸} روان هنوز
- ۲۷ روی زمین زعید « حلی »^{۲۹} گشته پر حلیل
زان سرخ روی و زرد جبین است و دلفروز
- ۲۸ از بخت « رام »^{۳۰} و جشن « دوالی »^{۳۱} بسیط خاک
روشن چو آفتاب و شب تار همچو روز
- ۲۹ در راه عشق چون زن هندو قدم گذار^{۳۲}
مردانه جان خویش فدا ساز و تن بسوز
- ۳۰ غافل مشو که عامل مستعمران بشرق^{۳۳}
« مکاره می نشیند و محتاله می رود »



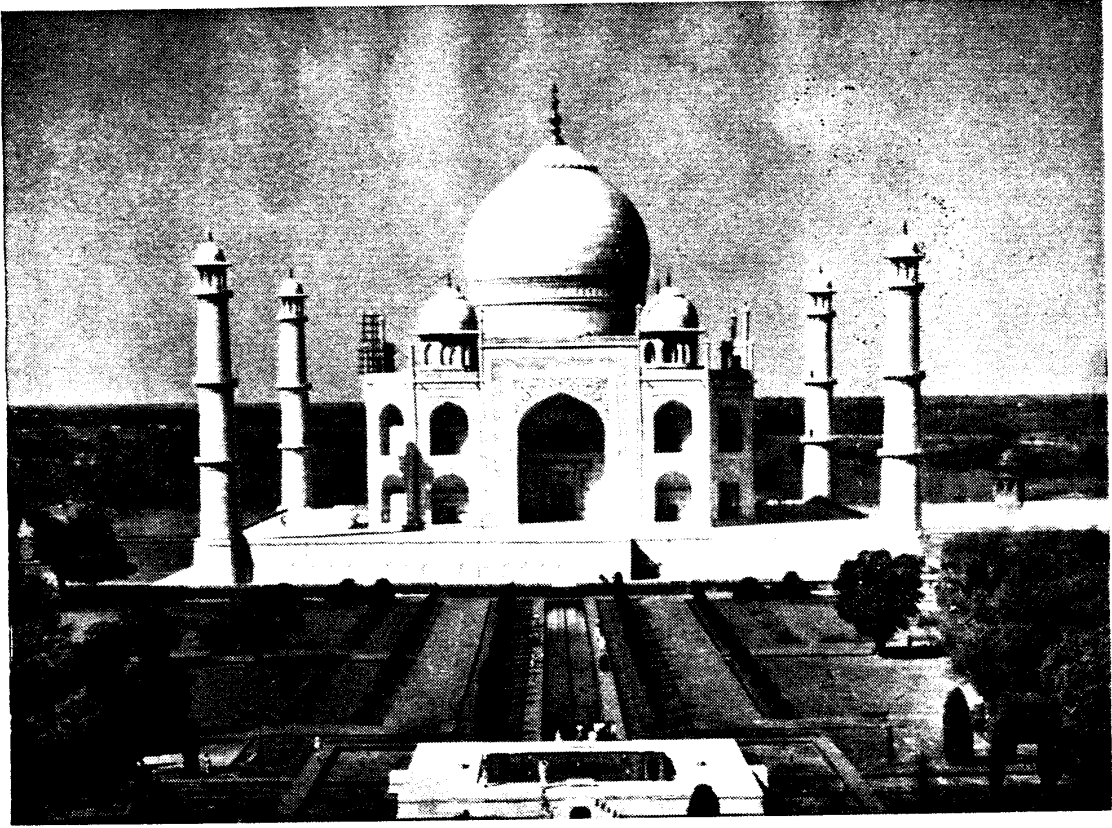
تصوير شماره ۶ - کریشنا و نی او، موزه جیپور.

Locality:- Jaipur Museum, Rajasthan.

Title:- Lord Krishna playing on his flute.

- ۷ -

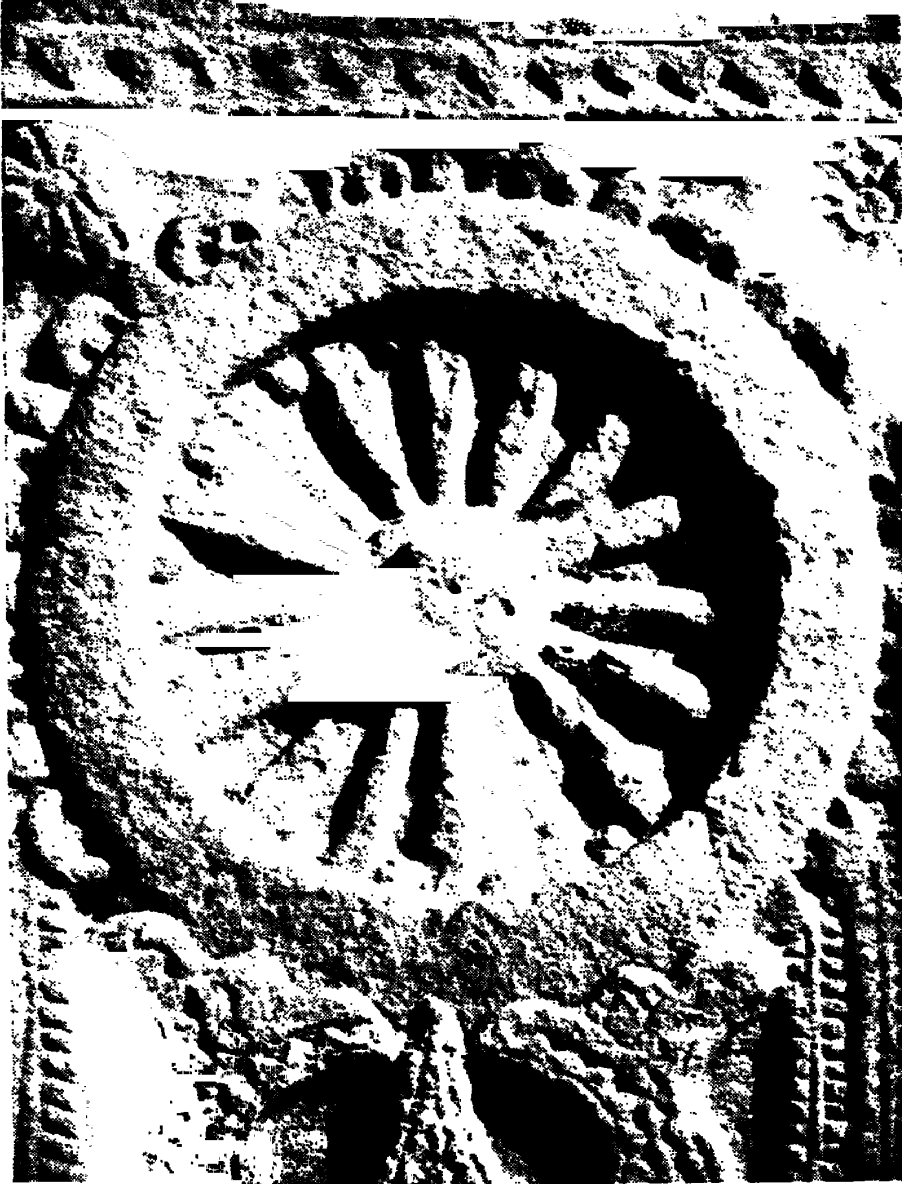
- ۲۱ « باد بهشت میوزد از بوستان شاد،
بنگر جمال « تاج محل »^{۳۴} در فروغ ماه
- ۲۲ آرد صبا بساط طرب در « نشاط باغ »^{۳۵}
افراشت گل بیاغ « شلیمار »^{۳۶} بارگاه
- ۲۳ برخوان کتیبه های « اشوکا »^{۳۷} که بوده است
چرخش چو آسمان و زمین عرصه سپاه
- ۲۴ بنگر بنقشهای « اجنتا » که ایاجیان^{۳۸}
زایوان خسرو آمده تا پیشگاه شاه
- ۲۵ از هجر هند خون دل از دیده میچکد
« وز ژاله باده در قدح لاله میرود،



تصویر شماره ۷ - جبهه جنوبی تاج محل، آگره.
Locality:- Agra.
Title:- The Taj. Front view from South Agra.

- ۸ -

- ۳۶ « چون سامری مباش که زر دید از خری ،
چون برهن زگار بحق جوی رهبری^{۳۶} »
- ۳۷ اندر سطور «گیتا»^{۳۷} مرد حکیم خواند
راز نهان اهل جهان ز آدم و پری
- ۳۸ رمزی زکار خلقت و مرگ حیات تو
«شیوا»^{۳۸} و «وشنوه»^{۳۹} است و «برهما»^{۴۰} چو بنگری
- ۳۹ دست طلب بگنج «پنی شاد»^{۴۱} و «ریگ وید»^{۴۲}
می آوری و گوهر اسرار می بری
- ۴۰ هندوی علم باش که از جهل آن جهود
«موسی بهشت و در پی»^{۴۳} گوساله می رود »



تصویر شماره ۸ - چرخ اشوکا . سانشی . بھوپال .

Locality:- Sanchi.

Title:- A medallion (Ashoka's Chakr) on Stupa
No. 2, Sanchi, Bhopal.

- ۹ -

- ۴۱ « حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث دین آت »
روح القدس بشعر ترش خوانده آفرین
- ۴۲ آن شاه نامور که زمین « لسان غیب »
نامش بفر دولت جاوید شد قرین
- ۴۳ تا شد غلام خواجه شیراز شاه هند
صیت جلال او زدکن رفت تا بچین
- ۴۴ ایران و هند راست دو میراث باستان
شعر ادیب و رای خردمند راستین
- ۴۵ حکمت زیاد هند و زهر بتان هند
« خامش مشو که کار تو از ناله میرود »



تصویر شماره ۹ - مسجد آدینہ . سکندر شاہ بنگالی . پاندوا ، بنگال غربی .

Locality:- Pandua, Dt. Malda, West Bengal.

Title:- Front view of Adina Mosque (a fine specimen of Architecture) build by Sikander Shah Ist (1358-89 A.D.), Father of Ghiyas-ud-Din of Bengal.

هزار نفر سکنه آن است . عمارت مقبره « تاج محل » که در زیبائی و سبک معماری معروف آفاق میباشد در این شهر واقع است .

۴ - گنگ Ganges :

بزرگترین رود هندوستان . از کوهستان هیمالیا شروع و به خلیج بنگاله منتهی میشود . متجاوز از ۱۵۰۰ میل امتداد مسیر آن است . شهر بنارس و پتنا در ساحل آن قرار دارند . ایالت شمالی « یو . پی . » و بهار و بنگال غربی را مشروب نموده در جنوب شهر کلکته بدریا میریزد .

۵ - بنگاله Bengal :

نام ایالت وسیعی است در مشرق هندوستان که در سال ۱۹۴۷ بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده . شرق آن جزء دولت پاکستان و غرب آن جزء هندوستان است . در جنوب آن دریائی عظیم موسوم به خلیج بنگاله قرار دارد . دارای صحرای بسیار پهناوری است که متجاوز از ۸۰ هزار میل مربع مساحت دارد . ایالت بنگال غربی نزدیک ۲۲ میلیون نفوس دارد و شهر کلکته پایتخت آن ایالت بزرگ است .

حواشی

۱ - بهارات Bharat :

نامی قدیم است برای سرزمین هندوستان که اخیراً بموجب ماده اول قانون اساسی هند آن نام را برای آنکشور رسمیت داده اند.

۲ - بهار Bihar :

نام یکی از ایالات هندوستان است در مغرب بنگاله و شمال اوریسا و مشرق ایالت شمالی (اوتار پرادش) و از شمال به نپال محدود میشود. شهر مرکزی آن «پاتنا» میباشد و ۳۶ میلیون و سیصد و چهل هزار نفر سکنه دارد. و دشت وسیع آن از مزارع عظیم هندوستان میباشد.

۳ - آگرا Agra :

شهری است معروف که سالیان دراز تختگاه اکبر پادشاه بابر مغولی هندوستان بوده است و به «اکبرآباد» مشهور بود و تا زمان شاهجهان (۱۶۵۰ م.) مرکزیت خود را از دست نداد. اکنون در ایالت شمالی هندوستان واقع شده. در ساحل رود جمنا. در حدود ۲۸۰

بخ چالهای کوهستان هیالیاست. پس از طی فرسخها در کوهستان بصحرای پنجاب سرا زیر شده و در جنوب کراچی بدریا عربی فرو میریزد. طول خط سیر آن نزدیک به ۱۵۰۰ میل است. پس از پنجاب در ایالت سند عبور مینماید و نام خود را بان سرزمین داده است. رودخانهای فرعی عظیم و کانالهای وسیع و طویل که ازین انهار سه گانه منشق نموده اند. سرزمین هندوستان شمالی و پاکستان را آبیاری کرده و آنرا در ردیف ممالک طراز اول فلاحی جهان قرار داده است.

۹ - ساری Sari :

جامه عمومی زنان هند. که عبارت است از يك پارچه بطول پنج یا شش متر و بعرض ۱۲۰ سانتیمتر که نصف آنرا اطراف بدن پوشیده و نصف دیگر را بر کتف میاندازند و آنرا از ابریشم و یا تارهای سیم و زر میافند و بنقش و نگارها میآریند. «ساری» لغت هندی است.

۱۰ - خال هندو :

در اشعار فارسی بسیار آمده است :

۶ - راجپوت Rajput :

ایالت راجپوتانا که اکنون بنام «راجستان» موسوم است از بزرگترین ایالات هندوستان میباشد. تقریباً ۱۳۰ هزار میل مربع مساحت و ۱۳ میلیون نفوس دارد شهر مرکزی آن جیپور است. در تاریخ هند از قدیم الایام جنگهای بسیار پر حادثه از آن قوم ثبت است. قبایل راجپوت بعد از سقوط امپراطوریهای قدیم هند معروف شدند و افسانه‌ها و حکایات بسیار از دلاوری و جنگ جوئی آنها نقل میکنند.

۷ - جمنا Jumna :

نام رودخانه بزرگی است در شمال هند که از کوههای هیمالیا سرچشمه گرفته و در جوار شهر اله آباد به رود گنگ متصل میشود و محل التقاء این دو رود از اماکن مقدسه و زیارتگاه هندوان است. شهرهای بزرگ مانند دهلی و آگره و اله آباد در کنار آن واقع شده اند.

۸ - سند Indus :

سومین رود بزرگ هندوستان است که سرچشمه آن نیز از

دکنی است که در نیمه دوم قرن دهم هجری در هند می زیسته و در دربار اکبر پادشاه مغولی بآبروی مرتبه ملك الشعرائی یافت و اصلاً اهل دکن هندوستان است. از آثار منظوم او مشنوی حکایات «نل و دمن» ترجمه از سانسکریت که بیحر مشنوی لیلی و مجنون به نظم در آورده. و دیگر تفسیر بی نقطه بنام «سواطع الالهام» تالیف نموده است. این دو کتاب او بچاپ رسیده ولی آثار دیگر نیز دارد که زینت طبع نیافته. متولد ۵۹۵۴ - متوفی ۱۰۰۴ هـ.

۱۵ - آئین او بخوان :

اشاره است به کتاب معروف «آئین اکبری» که شیخ ابو الفضل بن مبارک وزیر اکبر پادشاه معروف هند بفارسی تالیف کرده است و مجموعه نفیسی است در باب مملکت هندوستان و مسائل جغرافیائی و سازمان های اداری و اجتماعی آن پادشاه و دیگر فوائد علمی. کتاب مذکور در دهلی بطبع رسیده و بانگلیسی نیز ترجمه شده است.

۱۶ - مرقد اورنگ زیب :

اشاره است به مقبره اورنگ زیب پادشاه هندوستان که در سال ۱۶۵۸ م. بعد از عزل شاهجهان بتخت نشست و در قریه خلد آباد

« بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را »
 ظاهرا خالی است که هندوان آنرا « تیکا » گویند و در پیشانی مابین
 دو ابرو میگذارند، و شاید « هندو » بمعنای سیاه باشد مرادف با
 « خال مشکین » .

۱۱ - پا زیب :

زیور پای است که کلمه فارسی است مرکب از دو لفظ « پا » و
 « زیب » . قدماء آنرا « پابرنجن » و در این ایام در ایران آنرا
 « خلخال » میگویند .

۱۲ - سهره Sehra :

حمایی است از گل یا گلابتون که بعلامت تجلیل و تکریم بر قامت
 شخصی مکرم یا برگردن عروسی صاحب جمال آویزان نمایند .

۱۳ - آدم در هندوستان :

اشاره بآنچه در روایات قدیمه آمده است که آدم علیه السلام چون
 از بهشت سقوط کرد بر جزیره سرانندیب « سیلان » فرود آمد .

۱۴ - فیضی :

ایهام است به شاعر « فیضی » تخلص . و او شیخ ابو الفیض بن مبارک

انتشار یافت . امیر خسرو دهلوی گوید (نه سپهر)
 نیست نهان آنکه سوی هند نگر * کرد ابو معشر داننده گذر
 آمد و ده سال در آموخت سخن * در حد بنارس آن شهر کهن

۲۰ - روزبه و پند کلیله :

روزبه نام طبیبی است ایرانی که در عهد خسرو انوشیروان (قرن
 ششم میلادی) در جستجوی داروی حیات بخش از ایران به هند
 آمد و در کشمیر کتاب پانچاتانترا را یافته به پهلوی ترجمه نمود و
 سپس ابن مقفع در قرن هشتم آنرا از پهلوی بعربی در آورد که هم
 اکنون موجود است و از آن بزبان فارسی امروزی و باغلب السنه
 جهان ترجمه شد و در عالم انتشار یافت .

۲۱ - اختراع صفر :

اشاره است باینکه علمای هند با اختراع صفر علم حساب را بوجود
 آورده اند . ظاهرا در علم ریاضی هندوان باستانی مهارت کامل
 و تحقیقات بسیار داشته اند و قدیم ترین کتاب در علم ریاضی در
 هندوستان بنام سولواسوتراس که جزئی از مجموعه ودیک است
 میباشد . و گویند که « صفر » بزبان سانسکرت « سونیا » نام داشته

نزدیک شهر احمد نگر وفات یافت و از آنهمه فرو شکوه و استبداد
جز قبر بسیار ساده ای از او چیزی باقی نماند .

۱۷ - دو صد ساله جادوئی :

کنایه به دو قرن از تاریخ هندوستان است که سحر در آن حکومت
میکرد . العاقل یکفیه الاشارة .

۱۸ - بیرونی :

ابو ریحان محمد البیرونی تولد سال ۹۷۳ م . متوفی سال ۱۰۴۸ م .
در غزنین . از اجله علماء و دانشمندان ایران . مسافرت بهندوستان
کرد و فلسفه یونان را تعلیم داد و فلسفه هندو را تعلیم گرفت .
در باب هندوان کتاب ذیقیمی تألیف کرده موسوم . به « تحقیق ما
للهند ... » که از منابع معتبر و مهم شمرده میشود .

۱۹ - بو معشر بلخی خراسانی :

از اجله علماء ریاضی و علم الفلك که در سال ۲۷۲ هـ (۸۸۶ م)
در صد سالگی وفات یافت . گویند وی به بنارس آمده و علم نجوم
و حساب را از برهمنان هند آموخت و ارقام هندسی که بعدها
بارقام عربی موسوم شد از آن کشور بممالک اسلامی و مسیحی

فلینافس المتنافسون، (۸۳-۲۶) .

۲۴ - لثالی منظوم رامایان :

اشاره است بکتاب رزم نامه رامایان که منظومه حماسی هندوان است و آن کتاب بشعرِ ظاهرا در قرن پنجم قبل از میلاد سروده شده است .

۲۵ - کالیداس :

بزرگترین شاعر و درام نویس هندوستان . بطن غالب در حدود قرن پنجم یا ششم میلادی میزیسته است . درام معروف « شا کوتالا » اثر برجسته اوست که و دیگر آثارش او را بزرگترین شاعر سانسکریت قرار داده است . در اروپا نیز شهرتی بسزا دارد . گوته شاعر بزرگ آلمان درام « شا کوتالا » را ترجمه کرده و کالیداس را به عظمت ستوده .

۲۶ - تولسیداس :

یکی از بزرگترین شاعران هندوستان در قرون وسطی ، متولد ۱۵۳۲ م . و متوفی ۱۶۲۳ م . معاصر همایون و اکبر و جهانگیر پادشاهان مغولی گورکانی است و از اهل ضوبه شمال « یو . پی . » می باشد . در آخر

که بمعنی « میان تہی » است . این لغت بعربی انتقال یافته و بصورت « الصفر » در آمده و از آن بلفظ اسپانیولی « سیپا » در السنه اروپائی وارد شده است . امیر خسرو دهلوی (در نه سپهر) گوید :

هم یکی صفر که نقشی است تہی بین چه رموز است چو خطش دہی
 آنہمہ علم عددش زیر و زبر زین رقم از نیست خط و صفر ثمر
 واضع این تخته « اسا » نام یکی بود برہمن کہ در این نیست شکی
 ہنداسا شد چو ازو نام عدد ہندسہ تخفیف شد از اہل خرد
 چون حکما جملہ ازو جستہ مدد پس ہمہ شاگرد برہمن بعدد
 ۲۲ - بنارس :

شہر باستانی ہندوستان کہ در ایالت شمالی « یو . پی . » واقع شدہ
 و شہر مقدس ہنود و در حقیقت پایتخت مذہبی آن کشور میباشد
 و جایگاہ اصنام بسیار است . متجاوز از ۱۵۰۰ بتخانہ در آنجا
 وجود دارد و نیز مرکز صناعت بافندگی زربفت است . قریب ۲۸۰
 ہزار نفر سکنہ دارد .

۲۳ - مشکین مشام جان زختم رحیق شعر :

اشارہ بآبہ شریفہ « یسقون من رحیق مختوم ، ختامہ مسک و فی ذلک

۲۹ - عید حلی :

معروف ترین و قدیم ترین اعیاد هندو است که در اول بهار سه شبانروز عامه مردم بعیش و شادی مشغول میشوند و آب معطر آمیخته برنگ قرمز و زرد بر یکدیگر میپاشند و روی و جبین را بعلامت مقدس سرخ و زرد و بنفش می دارند. در آن زمان بوده است که کرشنا در زمان کودکی عجوزه عفریته را هلاک ساخت (ایام این عید در ماههای فوریه و مارچ در هنگام لیالی بدر است).

۳۰ - بخت رام :

ایهامی است به حکایت « رام » که در روز عید دیوالی به تخت سلطنت نشست . به تفصیلی که در کتب مقدسه هندو مسطور است .

۳۱ - جشن دوالی :

عید « دوالی » که بزبان سانسکریت معنی « انبوه نور » است و آن چهار شبانروز است که در اول پائیز عید میگیرند . و مخصوصا طبقه تجار و کسبه آنرا مخصوص بخود میداندند و معا برودکا کین و خانه ها را بانوار رنگارنگ چراغانی میکنند و آتشبازی ها برپا میسازند و دفاتر حساب کهنه را بر چیده برای سال نو حسابهای جدید باز

عمر زندگانی زاهدان و مرتاضان پیش گرفت و به عبادت و تعلیم
 «راما» پرداخت و به ترجمه و نظم داستان رامایانا مشغول شد
 و قسمت عمده آن رزم نامه مذهبی را بشعر زبان خود در آورد.

۲۷ - پنج شیشه از می خسروی:

اشاره به پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی است که عبارت باشد از
 شیرین و خسرو، مجنون و لیلی، مطلع الانوار، آئینه اسکندری،
 و هشت بهشت. امیر خسرو، میر ابوالحسن در پتیالی در ایالت شمالی
 «یو. پی.» بسال ۱۲۵۳ م. متولد و در دهلی در سال ۱۳۲۵ م.
 وفات یافت. مزار او در جنب مزار مرشد او خواجه نظام الدین
 اولیا در آن شهر معروف است. صاحب دیوان عظیم و مثنویات
 عدیده از اساتید شعری فارسی زبان هندوستان میباشد.

۲۸ - عجوز و تیغ کرشنا:

اشاره است به دیوهای زشت و زنان افسانه ای که بدست کرشنا
 کشته شدند. یکی از آن جمله عفریته ایست موسوم به «پوتانا»
 و دیگری بنام «دموداری» که باید بحکایات و افسانه های مربوطه
 به «کرشنا» خدای هندو مراجعه نمود.

محل در شهر آگره بنا نمود و خود نیز در آنجا مدفون گردید .
این بنا در سال ۱۶۳۲ م. آغاز شد . آن عمارت بزرگ که مراسم
از مرمر سفید ساخته شده در وسط باغی دل انگیز در ساحل یمن
رود جمنا قرار دارد . و گویند که سه ملیون روبیه در آن زمان هزینه
بنای آن شد .

منظره زیبای آن بنای جهان آرا در ليله بدر در فروغ ماه جلوه و
شکوهی سحر انگیز دارد که از اطراف جهان قوافل سیاحان برای
تماشای آن با آگره رهسپار میگردند .

۳۵ - نشاط باغ :

باغ تاریخی بسیار زیبا و با صفائی است که در کنار دریاچه « تال »
جهانگیر بادشاه گورکانی مغول بنا نمود . و اکنون یکی از آثار تاریخی
هندوستان و نزهتگاه معروف جهان است و شعراء فارسی زبان مانند
کلیم و سلیم و قدسی و دیگران در وصف آن منظومات لطیف
ساخته اند .

۳۶ - باغ شالیار :

« شالی » بمعنی برنج و « مار » یا مارغ یا مرغ بمعنای چمن و کشتزار

میکنند . منطبق است با ماه نوامبر مسیحی .

۳۲ - در راه عشق چون زن هندو قدم گذار :

اشاره است بر رسم « ستی » که زنان هندو را بعد از مرگ شوی با جسد مرده شوهر زنده قربانی آتش میکردند و آنرا کفاره گناهان و رمز وفاداری زن می شمردند .

۳۳ - عامل مستعمران بشرق :

اشاره است بسیاست و تدبیر و دهائی که عمال استعمار اروپائی در ممالك شرق بکار برده . و قرنی چند بر بعضی از ملل شرق حکومت و آب و خاک آنانرا استعمار کردند . چون این ملل غالباً از حیث عدد هزارها مرتبه کمتر از نفوس ملل مغلوبه بودند باسلاح مکر و حيله مسلح گشته و با ایجاد نفاق و جدائی بر آنها مسلط شدند . و اکنون نیز که اکثر ملل شرق بیدار شده و از نعمت استقلال بهره ور گردیده اند باز بقایای عمال استعماری با سبک قدیم همچنان بکوشش و تلاش مشغول میباشد .

۳۴ - تاج محل :

نام بنای آرامگاه عظیم و معروفیست که شاهجهان برای زن خود ممتاز

شبه قاره هندوستان سلطنت نمود، پایتخت او در ساحل رود گنگ در نزدیکی شهر پاتنا بوده است. و از او کتیبه‌های بر روی صخره‌ها و ستونهای عظیم (نه عدد) در شمال و جنوب هندوستان باقی مانده است که در آنها از سرگذشت او و تعالیم او حکایت میکنند. چرخ اشوکا «دهرما چکرا»، یا چرخ قانون و قدرت سنگ تاریخی است که در سرنات اخیرا در نزدیکی بنارس کشف و استخراج شد. و آن صورت چهار شیر است که چرخ را نگاه میدارند، و این چهار شیر هر کدام بسوی یکی از جهات اربعه جهان دارند. و آنها دولت جمهوری هندوستان علامت پرچم ملی خود قرار داده است.

۳۸ - نقشهای اجنتا:

اجنتا نام غارهایی است عظیم که در جنوب هندوستان در شصت میلی اورنگ آباد دکن واقع شده اند که معبدها و سقفها و ستونها با تیشه هنرمند صنعتگران چیره دست از صخره صما بیرون آورده اند، و یکی از زیباترین نقاشیهای هند بر روی دیوارهای آن نمایان است که همه از قرون ششم و هفتم مسیحی باقی مانده است.

است. و چون این باغ در وسط کشتزارهای برنج در کنار دریاچه تال قرار دارد باین اسم معروف شده. این باغ که از دو طبقه تشکیل میشود یکی فرح بخش و دیگری فیض بخش از زیبا ترین باغهای نزهت انگیز کشمیر است.

محمد قلی سلیم در وصف آن باغ و تاریخ بنای آن چنین گوید:

ز نام شالیارم رفت آرام بهشتی شالیار او را شده نام
 یکی تالاب در دامان کوهش که لرزد بحر چون بیند شکوهش
 شنیدم شاه روشن دل جهانگیر زعشرت شد چو رونق بخش کشمیر
 چو شد دامان دریا جلوه گاهش بسوی شالیار افتاد راهش
 بگفت ایندشت رنگین روی حوراست زما سرمنزلی این جا ضرور است
 در آن آیام شاه هفت اقلیم که بر سر دارد او خورشید دیهم
 پی اتمام این منزل قد افراشت برای خویش کاری پیش انداخت
 سر و سرکرده شهزادگان بود دران شهزادگی شاهجهان بود
 کنون آمد ز فیض خاک و آبش فرح بخش از سر عالم خطابش

۳۷ - کتیبه های اشوکا:

اشوکا امپراطور عظیم الشان هندوستان که از ۳۷۳ تا ۲۳۲ ق.م. در

است که قسمتی از آن کتاب را در تالیف شریف خود کتاب « ما للهند » بعربی در آورده است . در سال ۱۷۸۵ م . بقلم چارلز ویلسکنز انگلیسی بآن زبان ترجمه شده و معروف عالم متمدن گردید .

۴۱ - شیوا :

نام اولین خدایان ثلاثه هند که خدای مرگ و فانی کننده موجودات است .

۴۲ - ویشنو :

نام دومین آلهه ثلاثه هند است که او را خدای بقا و حافظ موجودات میدانند .

۴۳ - برهما :

نام یکی دیگر از خدایان سه گانه هندو است که او را اله خلقت و آفریدگار موجودات میدانند .

۴۴ - پنی شاد یا اپنی شاد :

نام رساله های مذهبی است که در باب « ویدا » نگاشته شده و تمام تعالیم فلسفه هندو از آن اقتباس و انشعاب یافته است .

در غار شماره يك تصويری از سفارت ایران است که از دربار خسرو پرویز پادشاه ساسانی در اوایل قرن هفتم بهندوستان بدربار پولکسین دوم پادشاه دکن آمده اند، و طبری نیز در تاریخ خود بآن سفارت اشاره کرده است.

۳۹ - چون برهمن زگاو بحق جوی رهبری :

اشاره است به احترام آمیخته به پرستش که هندوان برای گاو قائل هستند و در وجود او تجسم خدایان و مظهر مقدسات را معتقد میباشند. و تراوشات جسد گاو را طاهر و مقدس میدانند و خوردن گوشت او را گناهی عظیم می شمارند، و گویند که ویشنو آسمان را بنام او موسوم ساخت و آن جانور را با برهمن در يك روز آفرید از آنرو باو مرتبت تقدیس عطا فرمود.

۴۰ - گیتا یا کتاب «بهاگواد گیتا» :

یعنی - نغمه قدوسی - سرگذشت و اندرزهای «کرشنا» ست به شاگرد خود «ارجونا». و مشتمل است بر فلسفه حیات، و خلاصه و لب عقاید هندو در آن مندرج است. و منظومه ایست شامل ۷۰۰ بیت که در ذیل مهابهارات آمده. ابو ریحان البیرونی اول کسی

با حقیقت است. و این سلطان پادشاه بنگاله مییاشد زیرا در غزل اشاره بارسال « این قند پارسی به بنگاله » شده است.

۴۷ - لسان غیب :

« لسان الغیب » و « ترجمان الاسرار » القابی است که در عالم ادب بخواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی داده اند و از برکت کلام اوست که نام سلطان غیاث الدین معروف شده و دولت و بقا حاصل نموده. و الا این پادشاه مانند هزار پادشاه دیگر در ورطه گمنامی مدفون میشد.

۴۸ - دکن :

قسمت شمال هند را مؤلفین هندو از قدیم « آریاوارتا » میخوانده اند، یعنی سرزمین آریاها. و مؤلفین اسلام هندوستان میگفته اند. ولی قسمت جنوب یا شبه جزیره هند را بسانسکریت دکاشینا گویند که بعدها بصورت « دکن » تلفظ شده است. در این بیت مقصود قسمت ایالت حیدرآباد مییاشد.



۴۵ - ریگویدا :

نام یکی از کتب اربعه « ویدا » است که قدیمی ترین کتاب اساطیری هندوستان میباشد، و حکمت و فلسفه هندوئی از آن سرچشمه گرفته است و « اپنی شاد » و « برهمانا » در تفسیر آن اند.

و از این کتب چهارگانه ریگ وید از همه قدیمتر و شامل ادبیات باستانی و حماسی هندوهاست و آن بصورت اشعار و سرودهای ساخته شده که خطاب بخدایان خوانده میشود. بعضی از آن سرودها بقدری قدیم است که حدس میزنند در پنج هزار سال قبل ساخته شده و از نسل به نسل شفاهتا تا بعصر اختراع الفبا رسیده است.

۴۶ - سلطان غیاث دین :

در باب این بادشاه اختلاف است بعضی او را غیاث الدین بن اسکندر سلطان بنگاله میدانند که در ۸۶۷ هـ. بتخت سلطنت نشست و بعضی دیگر او را غیاث پیر علی کرت پادشاه هرات که در ۷۷۲ پادشاه شد، و بعضی دیگر او را محمود شاه بهمنی پادشاه دکن دانسته اند که در ۷۸۰ پادشاه شد، ولی بظن غالب قول اول منطبق

ساتھ جلوہ گر ہوا ہے .

۸ - مشاطہ قدرت کو پازیب اور دست بند کی جگہ ، اس کے لئے

چاند اور مشتری سے بہتر زیور میسر نہیں ہو سکے .

۹ - گلاب نے پردہ اٹھایا اور خلوت سے باہر آ گیا . تاکہ محبوب

کے قد موزوں پر سہرا بن کر مہکے .

۱۰ - نو عروس ہند کے وصل کی تمنا نوشہ طبعیت کو کیوں نہ ہو

جبکہ آج کل زمانے کا سارا کام دلالہ کی وساطت سے چلتا ہے .

۱۱ - ذرا ان جادو بھری عابد فریب آنکھوں کی طرف دیکھو .

اور پھر اسکی زلفوں کی قید میں ہمارا دل بیقرار تو دیکھو .

۱۲ - باغ عالم میں ہندوستان ایک حسین گل کدہ ہے . کہ اسکے

گرد سینکڑوں بلبلیں غزلخواں ہیں .

۱۳ - آدم نے ہندوستان کی خاطر ترک بہشت کیا . اور ان کے لمس

پا سے ہند کی خاک معطر و معنبر ہو گئی .

۱۴ - اکبر سے فیض (فیضی) طلب کرو اور اس کے آئین (آئین

اکبری) پر نظر ڈالو . (پھر) دیدہ عبرت سے مرقد اورنگ زیب

بیاد ہند

اردو ترجمہ

- ۱ - اے ساقی، سرو اور لالہ و گل کی داستان چھڑی ہوئی ہے .
اور باغ میں بلبل کے گلے سے نالہائے شوق بلند ہیں .
- ۲ - باد بہاری بھارت کی طرف محو خرام ہے . بہار کے میدان کو
اولے نے موتیوں سے بھر دیا ہے .
- ۳ - آگرہ کی خاک سے آتش طور برباد (خج-ل) ہے . دریائے
گنگا کا پانی آب حیات ہے اور بنگال کی جانب رواں ہے .
- ۴ - راجپوت جوانوں کے خون سے زمین سرخرو ہے . گویا دشت
و دمن میں ہر جگہ لالہ کے پھول کھلے ہیں .
- ۵ - دیار ہند گنگا جمن اور سندھ کے فیض سے شاداب ہے . اور
یہی بحث ثلاثہ غسالہ کے ساتھ لوگوں میں چھڑی ہوئی ہے .
- ۶ - شراب لا کہ نو عروس چمن نے حسن کی معراج پائی ہے ،
اور آفتاب کے ہاتھوں نے اس کے قد رعنا کے لئے زری کی
ساڑھی تیار کر دی ہے .
- ۷ - محبوب کے خال ہندو اور ابروئے دل فریب کو دیکھ کر یہ
گمان ہوتا ہے کہ گویا دفعتاً افق پر ستارہ زہرہ دو ہلالوں کے

۲۱ - راہ شعر میں زمان و مکان کی منزلوں کا طے کرنا دیکھو . اور
جان لو کہ مشام جان بادۂ شعر کی مشکین مہر سے معطر ہو
جاتا ہے .

۲۲ - دامن دل رامین کے منظوم جواہر پاروں سے بھر لو . کبھی
انیس نثر بنو اور کبھی رفیق شعر .

۲۳ - تلسی داس کے اشعار اور کالی داس کی نظمیں دو اتہاہ سمندر
کی مانند ہیں جنکی عمیق گہرائیوں میں فکر و خرد کے بیشمار
موتی پنہاں ہیں .

۲۴ - خسرو کی پانچ مثنویاں شراب کے پانچ ارغوانی شیشے ہیں .
جن سے شاعر نے سخن کے جام عقیق میں یاقوت جان بھر
دیا ہے .

۲۵ - میری طبع زاد تخلیق چودھویں کے چاند سے کم نہیں اور کمال
یہ ہے کہ یہ ننھی سی جان ایک سال کی مسافت طے کر لیتی ہے .

۲۶ - دنیا کا ناز و عشوہ تمہیں گمراہ نہ کر دے . اس مکارہ کا خون
آج بھی کرشن جی کی تیغ براں سے ٹپک رہا ہے .

کا بھی مشاہدہ کرو۔

۱۵ - ہندوستان کی دو سو سالہ تاریخ کی سحرکاریاں ملاحظہ ہوں۔

جن کے نقش قدم پر سحر کا ایک قافلہ رواں ہے۔

۱۶ - اگر قافلہ شعر و ادب ایران سے جانب ہند اپنا رخ کرے تو

(یقیناً) ہند کی تمام طوطیاں شیرین دہاں ہو جائیں۔

۱۷ - ہندوستان کے رازہای سر بستہ ابو ریحان بیرونی کی بدولت فاش

ہیں۔ اور ابو معشر فلکی بھی ہندوستان کے راز دل سے آگاہ

ہے۔

۱۸ - آج روز بہ کہاں ہے جو کلیلہ و دمنہ (پنج تنتر) کی نصائح

گراں بہا کا نادر تحفہ ہندوستان کی طرف سے ارباب دانش کو

پیش کرے۔

۱۹ - پھر علم حساب ہی کو دیکھو کہ محض ایک صفر کی ایجاد سے

ہندوستان بے حساب علم و دانش سے معمور ہو گیا۔

۲۰ - دانش و خرد کا یہ صنم (کلیلہ و دمنہ) بنارس سے سوی ملک

فارس پہنچا جیسے (حافظ کی) قند پارسی ایران سے بنگال آئی۔

منزلت آسمان میں تھا اور ساری زمین جسکی جولانگاہ تھی۔

۳۴ - اجنٹا کے ان نقش و نگار پر بھی نظر ڈالو جن میں خسرو پرویز کے قاصدوں کی تصاویر ہیں جو اس دور میں شاہ ہند کے دربار میں آئے تھے۔

۳۵ - ہندوستان کی یاد میں خون کے آنسو ٹپک رہے ہیں، جیسے شبنم نے لالہ کے سرخ کپڑوں میں گلابی بھر دی ہو۔

۳۶ - سامری صفت نہ بنو جس نے اپنی نادانی سے زر دے کر گوسالہ پرستی اختیار کی بلکہ برہمن کے مانند گائے کے مشاہدے سے معرفت کی دولت حاصل کرو۔

۳۷ - گیتا کے اشلوکوں میں رشیوں نے آدمی اور پری زاد کی تخلیق کے بہید کھولے ہیں۔

۳۸ - اگر غور کرو تو شیو، وشنو اور برہما یہ سب خلقت بنی آدم اور موت و زیست انسانی کے رموز ہیں۔

۳۹ - اگر اپنشد اور رگوید کی طرف تمہارا دست شوق بڑھے تو یقیناً گوہر اسرار دستیاب ہوں۔

۲۷ - زمین کا چہرہ ہولی کی مسرتوں سے کس قدر نکھرا ہوا ہے ،
اور اس کے چہرے کی لالی اور جبیں کی تابناکی کتنی دل موہ
لینے والی ہے .

۲۸ - رام چندرجی کے فیض اور دیوالی کے چراغوں سے زمین کے
ذرے آفتاب کی مانند روشن ہیں . اور تاریک رات دن کی
طرح منور ہے .

۲۹ - تم عشق و وفا کی راہ میں ہندو دیویوں سے تو کم تر نہیں .
اؤ ، بڑھو ، اور مردانہ وار اپنے جسم کو جلاؤ اور جان نثار کرو .

۳۰ - اس سے غافل نہ ہو کہ شہنشاہیت کے کارندے مشرق میں
اپنے مکر و فریب کے جال بچھائے بیٹھے ہیں .

۳۱ - بوستان شاہ (شاہجہان) سے نسیم بہار آتی ہے . چاندنی میں
حسن تاج محل دیدنی ہے .

۳۲ - « نشاط باغ » میں سبزے نے عیش و طرب کی بساط بچھا دی
ہے . اور باغ « شالیار » میں گلاب نے اپنی بارگاہ سجائی ہے .

۳۳ - اشوک کے کتبوں کو غور سے پڑھو ، یہ وہ ہے جس کا آستان

IX

41. "O Hafiz, be not heedless of the Court of Sultan
Ghiyathu'd-Din"
For the Holy Spirit, Gabriel, is applauding thy
fresh verses in honour of that Court.
42. Through the verses of "Hafiz", The Tongue of
the Unseen", that celebrated King
Has acquired immortal fame.
- 43 When India's King (Mahmud Shah Bahmani)
became a devotee of Khwajah Hafiz of Shiraz,
The reputation of his glory extended from the
Deccan to China.
44. Twofold is the ancient common heritage of Iran
and India
The one is their literature; the other, their
philosophy.
45. O Hekmat, cease not to remember India and to
pine for its fair ones
"For by thy lamentations, the affairs will prosper."

۴۰ - غلام علم و معرفت ہو جاؤ اسلئے کہ محض جہالت کے باعث اس یہودی (سامری) نے موسیٰ کی پیروی چھوڑ دی اور گوسالہ پرستی اختیار کی .

۴۱ - اے حافظ ، روح القدس نے تیرے اشعار پر تحسین کی ہے . جن سے تیرا غیاث الدین پادشاہ کی مجلس میں باریاب ہونے کا شوق عیاں ہے .

۴۲ - اس نامور پادشاہ کے نام نے لسان الغیب (از خواجہ حافظ) کے فیض سے ابدی شہرت حاصل کر لی ہے .

۴۳ - جونہی شاہ ہند نے خواجہ شیراز سے ارادت ظاہر کی اس کا شہرہ دکن سے چین تک پھیل گیا .

۴۴ - ایران اور ہند کے پاس عہد عتیق کے دو بیش قیمت ورثے ہیں . ایک تو شعر بلیغ اور دوسرا ورثہ عالی نظری (فکر رسا) .

۴۵ - اے حکمت سرزمین ہند اور بتان ہند کے شوق و فراق میں خاموش نہ ہونا اس لئے کہ نالہ و فریاد سے ہی تیری مراد بر آئیگی .



VII

31. "Be not like Samiri¹ who was lured by gold with his assinity;"
Be the Brahmin who seeks the path of Truth through the cow.
32. In the lines of the "Bhagavad-Gita" lie for the sage
The hidden secrets of the world relating to men and fairies.
33. The process of Creation, (Preservation of) Life and Death
Are symbolized in Brahma, Vishnu and Shiva, if thou dost see.
34. Stretch thy hand towards the treasures of the Upanishads² and the Rig-Veda
And gather for thyself the pearls of mystery.
35. Be a devotee of knowledge for, in his ignorance, the Jew (Samiri)
"Let go Moses and went in pursuit of the 'golden' calf."

1. The sorcerer Samiri took up the dust of Gabriel's path and cast it into the inside of a golden calf, Whereupon the calf became alive and gave voice. Through this calf many became road-lost.

2. Schopenhauer refers to the Upanishads as "that incomparable book..... the solace of my life, the solace of my death."

VIII

36. "From the king's garden the spring-wind is blowing."
See the beauty of Taj Mahal in the full moonlight.
37. The meadow has spread the carpet of delight in
Nishat Bagh;
The zephyr holds its court in the Shalimar
Garden.
38. Study the inscriptions of Asoka, for his wheel
Was the wheeling sky, while the globe was the
parade-ground for his troops.
39. See the frescoes¹ of Ajanta and the ambassadors
Coming from the Aiwan of Khusraw (Parwiz) to
the Darbar-Hall of King (Pulakesin II).
40. Because of separation from India, tears of blood
flow from the eyes
"And the dew-drops settle like wine in the cup of
the anemone."

1. The return-embassy to the Deccan from Sassanian Persia took place in 626 A.D., and a painting thereof is in the Ajanta frescoes.

V

21. "In the path of poetry behold how space and time are traversed!"
How the soul inhales musk from the pure soil of poetry!
22. Fill the heart with the pearls of the Ramayana presented in prose:
Covet prose for a while and for a while covet poetry.
23. The verses of Tulsidas and the poems of Kalidas are two seas
Wherein rhymed pearls of deep thought lie concealed.
24. And the Quintet of "Amir Khusraw"¹ are five bottles of amethystine wine
Poured like melted rubies into the cornelian cup of poetry, to exhilarate the soul.
25. This new-born babe of my heart is like the full moon;
"This infant, though but one night old, is going on a year's journey to Bengal."

1. Amir Khusraw wrote his Five Mathnawis (the Khamsa) in imitation of Nizamis. He died in 1324 A.D.

VI

26. "Swerve not from the path because of the blandishments of the world, for this hag"
Struck by the sword of Krishna¹ is bleeding till today.
27. Due to the festival of Holi, the surface of the earth is full of decoration....
Wherefore it has a red face, a yellow forehead and a charming look.
28. The entire world by the august luck of Rama and the jubilations of Diwali
Is shining like the sun; and the dark night (with illuminations) is bright as the day.
29. Traverse the path of love like the Hindu woman;
Sacrifice thy life; give thy body to the flames.²
30. Do not be unmindful, for the agent of colonialism in the East
"Sits like a cheat and goes like a bawd."

1. The exploits of Krishna as a warrior are preserved in the Bhagavad-Purana.

2. The widow who is burnt alive with her deceased husband's body is called "sati"; and the ceremony is "jawhar."

III

11. "Behold those saint-seducing magical eyes!"
 With her black tresses, behold how impatient
 are our hearts!
12. In the garden of the world, India is a lovely rose-
 bush;
 And so behold a hundred nightingales pouring
 out their songs around her!
13. Adam renounced Paradise¹ for the sake of India;
 With his feet, her soil hath gained fragrance and
 perfume.
14. Seek the favour² of Akbar and read his A'in
 (-i-Akbar);
 Open your eyes and look at the tomb of Aw-
 rangzeb.
15. Behold the magic in the records of two cen-
 turies;
 "And how in their wake this caravan of sorcery
 is proceeding."

1. There is a pun on "bihisht" which cannot be reproduced in English.
 2. There is a pun on "fayzi" which means grace and was the name of
 Akbar's poet-laureate.

IV

16. "All the parrots of India will become sugar-breakers"
If the caravan of India proceeds from Iran.
17. The inner secrets of India get disclosed;
When Al-Biruni¹ takes the pen and writes the Indica.
18. Where is Ruzbih that he may bring his Kalilah
(wa Dimnah)
Before men of letters as a gift from India?
19. Practise skill; for the chess of excellence
The Persian minister Barzoes² is bringing from
the Brahmins of India.
20. From Banaras did that beloved come to Persia;
"And now it is the Persian sugar on its way to
Bengal."

1. Al-Biruni, 973-1048 A.D., is the author of the celebrated Book on India (Kitabu'l-Hind).

2. The game of chess came from India to Sassanian Persia and was brought by Barzoes.

IN REMEMBRANCE OF INDIA

I

1. "O cup-bearer, the tale of the Cypress and the
Rose and the Anemone is being related;"
And plaintive chants are issuing from the throats
of nightingales.
2. The vernal breeze is blowing towards Bharat ;
And laden with gems of dew-drops are the
fields of Bihar.
3. From the earth of Agra the wind is stirring up
the fire of Moses ;
The Ganges is the water of immortality and is
flowing towards Bengal.
4. With the bloods of Rajput youths the earth is
rose-red ;
The fields and waste-lands are becoming beds
of tulips.
5. The land of India is smiling with the waters of
the Jamna, Ganges and the Indus....
"This is the discussion proceeding with the
Three Body-Washers."

II

6. "Give me the bowl of wine for the new bride of the meadow hath reached beauty's perfection ;"
The hand of the sun hath woven on her a gold-embroidered sari.
7. For her bracelets and anklets the bride-dresser of existence
Could not find better ornaments than the Moon and Jupiter.
8. With her black mole and her enchanting eyebrows, thou wouldst say
Venus and two Crescents have suddenly appeared on the horizon.
9. To form the bridal veil for her graceful stature
The rose hath unveiled and emerged from seclusion.
10. The bridegroom of Nature is displaying his beauty in the bridal apartment;
"There is no need now for the skill of the middle-man."

Foreword

by Prof. Hadi Hasan

To lovers of Indo-Persian cultural relations, two poems of the great Hafiz entitled "The Tongue of the Unseen" and "The Interpreter of Mysteries" are special significance, for one of them is addressed to Sultan Ghiyathu'd-Din, son of Sultan Sikandar who ruled in Bengal from 1366 to 1373 A.D., and the other contains an apology made to Mahmud Shah Bahmani, ruler of the Deccan from 1378 to 1396, for not visiting his court.

*The sorrow of the sea seemed lightened by hope of gain
But I was wrong: the danger of a single wave outweighs
the value of hundred pearls.*

This lyric ends with "arzd" and caught the fancy of the Emperor Humayun who has imitated it in one of his own lyrics.

As for the second poem, anticipating no recovery from his illness, Sultan Ghiyathu'd-Din had his body washed by three handmaidens known as the Cypress, Rose and Anemone. But the Sultan actually recovered as a result of the bath and while he honoured the handmaidens, jealous rivals called them "Body-Washers". When this taunt was reported to the Sultan he uttered the hemistich.

*"O cup-bearer, the tale of Cypress and the
Rose and the Anemone is being related."*

But neither he nor his court-poets could complete it. So an appeal was made to Hafiz who not only completed the couplet but extended it overnight into a lyric of ten couplets and sent it as a gift for the Sultan. And now another great poet and thinker of Iran, equally fond of India and chaste in expression, H.E.

Dr. Ali Asghar Hekmat, has extended that lyric by the art of "insertion" into 45 couplets. It is not easy to match the verses of great masters of poetry: Bahar has done so with a lyric of Sa'di's and Danish with Khagani's ode on Ctesiphon (Mada'in).

So much for the historical background of H. E. Dr. Hekmat's magnificent poem. He speaks of the chivalry of Rajputana, the fidelity of the Sati, the colour of Holi, the lights of Diwali, a Biruni's book on India, and Ruzbih's translation of the Panchatantra brought to Persia, together with the game of chess. The music of Hekmat's poetry and his delicate play on words cannot be retained in a translation, but charming is the tribute paid to the Ramayana, the Bhagavad-Gita, the Upanishads and to the Khamsah of Amir Khusraw, the "A'in" of Akbar's minister, Abu'l-Fazl and to the work of Tulsidas and Kalidas. Hekmat sees only beauty in India, because he himself is noble and refined and a true representative of the great Iranian people.

eminent scholars of India. The terms have mostly been used metaphorically or in the form of a pun. Several points concerning the Indo-Persian literature have also been dealt with in the poem. Lastly, the poem points to the ties that bound Hafiz to India. At the end, the poet states that both India and Iran have acquired very ancient legacies, viz., Poetry and Philosophy, which mark their chief intellectual characteristics.

From the point of view of composition, the poet has tried to adhere to the principles of Rhetorics and Prosody. However, he has introduced a virgin style so far as the originality of thought and expression are concerned. This style has no precedent.

This humble poem, being a small contribution of the writer to the Indo-Persian literature, is being presented to the great scholar-Minister of India, Maulana Abul Kalam Azad. Considering his eminence and nobility of disposition, it is an insignificant gift indeed.

I think it is my pleasing duty here to thank heartily the eminent scholar and my dear friend, Professor Hadi Hasan of Aligarh University who, with his artistic and able pen honoured this humble work and exquisitely translated it into English and Urdu.

This humble poem, being a small contribution of the writer to Indo-Persian literature, is being dedicated to the great Nation of India, which has for so many centuries been in close spiritual harmony with Iran.

شرم آید از بضاعت ناقابل ولی در شهر آبگینه فروش است و جوهری

..... "I am shamed by my poor merchandise but it is a well known fact that in a big city market there are glass merchants and jewellers both." — Saa'di

New Delhi,
October, 1955.

A. A. Hekmat